



۱۷ شهریور ۹۵ سخن تازه از بی خانمانی یک خانواده در همسایگی امام زاده احمد نوشت...



با وجودی که مسوولان هیچ واکنشی نشان نداده و سکوت اختیار کردند، اما بسیاری از مردم در تماس تلفنی با سخن تازه، ضمن گرفتن نشانی، به کمک این خانواده شناختند. و حاصل این همیاری مردمی:



## سیرا برچی

گل افشانی می کند با تار و پود، روی طناب وسط حیاط خانه شان نخهای قالی اویزان است. نخهایی به رنگ عنابی و خردلی. داغ داغ از دیگ رنگرزی درآمدند تا در تار و پود قالی هنرنمایی کنند. زنی قالیباف صاحبخانه است. خانه‌ای در مکی آباد. در این خانه آخرین نسل از قالی‌های «سه کله» (قالی سنتی سیرجان) بافته می شود. گلیم شیرکی بیج سیرجان چندصباحی ست که بر سر زبان است، از آن صحبت می شود و از صادرات آن به کشورهای دیگر می گویند و از زیبایی آن مطالب می نویسند که بی دلیل هم نیست. اما از قالی سنتی سیرجان که به سه کله معروف است و قدمتی بیشتر از گلیم دارد، کمتر حرفی زده می شود و بعید نیست که قالی سه کله چند سال دیگر کاملاً به ورطه فراموشی سپرده شود. هنری که زحمت زیادی برای بافتن خرج می شود و توان مالی و جانی زیادی می طلبد. کلاس‌های آموزش قالی بافی سیرجان متقاضیان زیادی برای گلیم بافی دارند ولی آموزش قالی سنتی فقط یک دار را بالا برده است.

از این رو برای اینکه دلیلش را بدانیم با پرس و جوی زیاد قدیمی ترین قالیباف سنتی را پیدا کردیم.

چارقند آبی گل گل‌اش را با پیراهن برچین ست کرده. اسمش گل افشان است و هفتاد سال دارد. به سمت اتاقی که مخصوص اوست و آنجا دارش را اویزان کرده، راهنمایی‌ام می کند. یک قالی زیبا را تا نصفه بافته، از او سراغ نقشهای را می گیرم که بر اساس آن می بافتد، می گویند: «خودم آن را طرح زدم، حفظی می بافم.» او به نسلی تعلق دارد که فن و دانش خود را شفاهی و سینه به سینه زنده نگه می داشته‌اند و حالا با از بین رفتن فرهنگ شفاهی، باید نسلی از قالی بافان جوان، نقوش و گره زنی امثال این قالی باف همشهری را ثبت و مکتوب کنند.

جمع شدن این همه زیبایی و هنر یکجا و صف شدنی نیست. گل افشان قالی را از هفت سالگی می بافتد و آن را از مادرش یاد گرفته. سوال من همیشه این بوده که اولین بار قالی را چه کسی بافته و اگر نسل به نسل از مادر و مادر بزرگ به دختر رسیده، اولین‌ها چه کسانی بودند که این قدر باهوش و هنرمند بودند. بدون هیچ کلاسی، هیچ آب و تابی.

از گل افشان می خواهم از خودش بگویند: «من قالی را از زمانی که هفت سال داشتم پیش دست مادرم یاد گرفتم. عروس که شدم قالی بافی راه درآمد خونمون بود و من ده تا پچه رو همینجوری بزرگ کردم. عروس و دوداد کردم و دانشگاه فرستادم.»

از او و زن برادرش که کمک‌اش هست، می خواهم که مشغول قالی بافی باشند تا عکس بگیریم، با آکراه می گویند: «عمر ما دیگه تموم شده، عکس‌مونو برا کجا می خویان،

پای دار آخرین نسل بافنده‌ی فرش سنتی سیرجان؛

## غبار فراموشی روی قالی سه کله



عکس: سید محمد فروزنده

انگار شب خوابیدی صبح بیدار شدی قالی این جا بوده» به گفته‌ی گل افشان: قالی سه کله‌ی سیرجان آن زمان که دوره رونقش بوده، صادر هم می شده است. زن از پسر برادرش می خواهد که اسم کشور را بگوید: «روز و لی بعدش تحریم شدیم دیگه کسی نخریده همه چی ول شد.»

می پرسیم چرا قدیمی‌های سیرجان باور داشتن که مرده را باید توی قالی سه کله حمل کنند؟ می خندد: «چم می گفتن قالی ماشینی نباشه» انگار قالی ماشینی برای مرده هم خوب نبوده، چه برسد به زنده‌ها.

گل افشان تند و تند و با سرعتی عجیب می بافتد و سوال‌های مراهم جواب می دهد. او و هم بافتش بیمه هم نیستند. بیمه مخصوص زنان قالی باف: «هزینه‌ش زیاد. اینقد پول از کجا آوریدیم، صرف نمی کنه دوست و خورده‌ای باید پول بدی» شیرینی تعارف می کند: «بردارید خودم بختم.»

عجب می کنم که این همه کار را در کنار قالی بافی چطور انجام می دهی! «خدا کنه دلت به زندگی باشه دل که به زندگی بدی همه چی درست می شه»

از آن‌ها می پرسیم اگر قالی نمی بافتین، دوست داشتنی چه کاره باشید؟ «همون قالیباف»

گل افشان می گویند: «قالی سه کله متقاضی کمی دارد و وقتی هم کسی نخواهد آن کار فراموش می شود و گم می شه.»

هنگام خداحافظی از گل افشان، با خودم فکر می کنم که راستی چرا باید ترکیب رنگ سرمه‌ای و قرمز را بگذاریم کنار و دل ببندیم به قالی‌های بی حال و بی رنگ مد شده؟ مگر سنت کهن و دیرینه‌ی دارای اصل و نسب ما چه ایرادی دارد که اصرار داریم خانه‌ها را با رنگ کرم قهوه‌ای تزیین کنیم و یکی در میان برای به رخ کشیدن قالی‌های ساخت ماشینی، مسابقه بگذاریم. چرا باید خریدار قالی سیرجانی، از شهر دیگری بیاید و حاضر باشد به خاطرش میلیون‌ها پول هزینه کند و چون قالیباف یکی دو تا بیشتر ندارد، دلش نیاید حاصل زحمتش را بفروشد که اگر این هنر مشتری بیشتری داشت و بهای بیشتری از طرف مسوول فرهنگی سیرجان به آن داده می شد، حرفی از فراموشی‌اش زده نمی شد. قالی سه کله را با طرح سه قاب وسطش می بافتند و سه علت واضح و همیشگی آن را پس می زدند: تحریم‌ها، بی پولی‌ها و بی توجهی مسوولان سیرجانی نسبت به میراث سنتی‌مان و البته بخش خصوصی که کمر همت بیندند برای زنده نگه داشتنش و از همه مهم‌تر از خود بیگانگی و خودشیفتگی مزمن‌مان آنجا که می گوئیم «این قالی‌ها دهاتی‌ان!»

هم خیلی هاشون دیگه نخ درست نمی کنن. همه شهری شدن. اگرم بخوای بخری اول که نیست دومم خیلی گرونه. بعدشم الان کسی دیگه قالی سنتی پسندش نمیشه. وقتیم کسی نمی خواد دیگه زحمت اضافه.»

انگار قیمت قالی با چیزی که هزینه می کنند جور در نیامد. پیر هنرمند به سمت قالی جدیدی که بافته و گوشه‌ی

هنر این ذوق گسترده است. شاهکار کار توسط گل افشان. سنت قالی بافی به شیوه‌ی گل افشان و با نقش قلعمانند و مثلثی خاص سیرجان است اما کم کم در حال فراموشی ست. برای همین گل افشان گلایه دارد: «نخ گیر نیامد. من خودم با دوک ریسندگی از پشم گوسفند نخ درست می کنم و با روانس و - رنگشون می کنم. ولی دیگه زحمت داره. عشایر

به درد چی می خوره به عمر به داریم قالی می بافیم کاری نکردیم که.» در حالی که این کار ساده نیست! این همه هنر و زیبایی در کنار زحمتی که دارد، خودش یک کار مهم است. فیلم کمال‌الملک علی حاتمی دیالوگ زیبایی از قول هنرمند نقاش خطاب به بافنده‌ی فرش دارد: «استاد تویی. هنر این فرشه. دروغ همه عمر یک نظر به زیر پا نینداختم.

در امواج پر خروش نفهمی،  
با کتاب غرق نمی شویم.

آموزشگاه زبان ایلیا

همواره هنگام رانندگی توجه کنید که شما حافظ جان خود و سر نشینان خود رو هستید.

آموزشگاه زبان ایلیا



گروه نظریه‌ی بازگشتی  
سنگ فلات قاره  
Falat-e-Ghare Group  
Travertine Granite Marble Import & Export  
Tr & Sate

### عرضه انواع

سنگ تراورتن (سفید عباس آباد، کرم، شکلاتی)

سنگ گرانیت و مرمریت

سنگفرش و سنگ پله

قیمت رقابتی  
تنوع در انتخاب

صرفه جویی در زمان

بهترین کیفیت

شهرک صنعتی شماره یک، خیابان افرا

۰۹۱۳ ۰۴۵ ۳۹۴۹

۰۹۱۳ ۳۷۹ ۳۹۴۹

آموزشگاه  
زبان ایلیا



فرزندان ۷ تا ۱۱ ساله

شما زبان را با بازی و نشاط  
خواهند آموخت.

فرزندتان آینده موفق تری  
خواهد داشت.  
کافی است زبان بداند.